

آیاتی که فرزندان و فرزندآوری را با تعابیر و توصیفات زیبا ستوده اند

در میان آیات قرآن، تعبیرها و توصیفات بسیار ستوده ای برای فرزندان و فرزندآوری وجود دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- آیه ۴۶ سوره کهف: در این آیه کریمه می خوانیم: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً»؛ (مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [ارزش های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است!).

در این آیه موقعیت مال و ثروت و نیروی انسانی که دو رکن اصلی حیات دنیاست مشخص شده اند. در اینجا فرزندان در کنار اموال به عنوان شکوفه ها و گل هایی معرفی می شوند که بر شاخه های درخت زندگی می رویند. داشتن فرزند در کنار برخورداری از اموال، یکی از مهم ترین سرمایه های زندگی دنیاست. چرا که برای رسیدن به هر مقصودی از مقاصد مادی حتما مورد نیاز است و به همین دلیل آنها که بر تخت قدرت می نشینند، در کنار مال اندوزی، سعی در جمع آوری این نیرو نیز می کنند مخصوصاً در زمان های گذشته هر کس فرزندان بیشتری داشت خود را نیرومندتر احساس می کرد چرا که آنها یکی از دو رکن اصلی قدرت او را تشکیل می دادند).

نکته لازم به ذکر این است که اگرچه این آیه اموال و فرزندان را زینت زیست دنیوی می داند اما به تصریح بخش انتهایی آیه یعنی «الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً» این امور زینت هایی زودگذرند که اگر از طریق قرار گرفتن در مسیر «اللَّهِ» رنگ جاودانگی نگیرند بسیار بی اعتبارند. با این حال بنا به تعبیر آیه ۳۱ سوره اعراف یعنی «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، این زینت ها می توانند با استقرار و ثبات قدم صاحبانشان در مسیر الهی تمام ناشدنی و در مقدس ترین مکان ها نیز قابل همراهی با آدمی گردند و توشه اب برای آخرت.

۲- آیه ۸۳ سوره کهف: در بخشی از این آیه کریمه می خوانیم: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ (و [به یاد آورید] زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید).

اینکه نیکی کردن به والدین بعد از [توحید در] عبادت، میثاق بعدی خداوند با بنی اسرائیل معرفی شده، می تواند حکایت از رابطه بسیار ویژه ای بکند که بین انسان ها بعد از فرزندآوری، به عنوان والدین و فرزندان، پدید می آید. به عبارت دیگر، دانش و تجربه و حتی پیمان ازدواج و شروع زندگی مشترک، وضعیت ها و نقش های

بزرگ سالی را به وجود نمی آورد بلکه دوره «پدر و مادر شدن» است که نقش های بزرگسالی را مشخص می کند.

بنابراین به نظر می رسد که تجربه پدر و مادری در فراهم کردن تعالی و رشد شخصیت افراد اهمیت ویژه ای دارد. وجود همین تجربه ها مجموعه کاملی از ارزش ها را به ساختار شخصیت والدین می افزاید. از این روست که والدین در این آیه کریمه با قرار گرفتن در کنار نام خدا گرامی داشته می شوند.

می توان گفت سفارش خدا به «احسان در حق والدین» در کنار «دعوت به توحید» به این معنی است که جایگاه و سمت والدین از این حیث که سرپرستان چندین فرزند می باشند در مراتب معنوی و انسانی بسیار عالی است. البته بسیار واضح است که «والدین» عنوانی است که با فرزند آوری بر صاحبان این شأن اطلاق می شود و تا فرزند نداشته و یا فرزندان را بر اساس آموزه های الهی تربیت نکرده باشند به مقامات معنوی موجود در آیه نمی رسند.

۳- آیه ۶ سوره اسراء: در بخشی از این آیه و بعد از ذکر شدن چند عنوان از ویژگی های بنی اسرائیل و وضعیت آنها، خطاب به آنها گفته می شود که: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛ (سپس شما را بر آنها چیره می کنیم؛ و شما را به وسیله دارایی ها و فرزندان کمک خواهیم کرد؛ و نفرات شما را بیشتر [از دشمن] قرار می دهیم).

در اینجا می بینیم که زیادی فرزندان به عنوان یکی از اسباب امداد و یاری الهی، معرفی شده است.

۴- آیه ۱۲ سوره نوح: در این آیه می خوانیم: «وَ يَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ (و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نهلهای جاری در اختیارتان قرار دهد)!

این آیه یکی از آیاتی است که مژده های الهی را به قوم نوح از زبان آن حضرت بیان می کند - البته های مژده هایی که مشروط به ایمان آن قوم و طلب مغفرت شان از خداوند بوده است - و همان طور که می بینیم فزونی فرزندان نیز در کنار نعمت هایی دیگر به عنوان یکی نعمت های الهی مورد اشاره قرار گرفته است. سببی نیز که باعث شده نوح(علیه السلام) این وعده ها را به قوم خود دهد بنابر بعضی از روایات این بوده است که وقتی قوم لجوج او از قبول دعوتش سر باز زدند، خشکسالی و قحطی آنها را فرا گرفت و بسیاری از اموال و فرزندان شان هلاک شدند. به همین خاطر نوح به آنها گفت: اگر ایمان بیاورید همه این مصائب و بلاها از شما دفع خواهد

در این آیه از تعبیر «یمددکم ب...» برای اشاره به نعمت فرزند اشاره شده است. کلمه «امداد» به معنای رساندن مدد به دنبال مدد دیگر است و مدد به معنای هر چیزی است که آدمی را در رسیدن به حاجتش کمک کند و مشخص است که برخورداری از فرزندان در کنار تملک اموال نزدیک ترین کمک های ابتدایی برای رسیدن جامعه انسانی به هدف های خویش است.

۵- آیات ۱۳۳ و ۱۳۴ سوره شعراء: در این آیات می خوانیم: «وَأَتَّقُوا آلَٰدَىٰ أَمْدَٰكُمۡ بِمَا تَعْلَمُونَ * أَمْدَٰكُمۡ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ»؛ (و از [نافرمانی] خدایی بپرهیزید که شما را به نعمت هایی که می دانید امداد کرده* شما را به چهارپایان و نیز پسران [لایق و برومند] امداد فرموده).

در این آیات می بینیم که از یک سو، یاری شدن انسان با سرمایه های مادی که قسمت مهمی از آن- مخصوصاً در آن عصر- چهارپایان و دام ها بودند مورد اشاره قرار گرفته و از سوی دیگر نیروی انسانی کافی که بتواند آن حفظ و نگهداری کند نیز - به عنوان یکی دیگر از مؤلفه های یاری خداوند به انسان - برشمرده شده است. این تعبیر در آیات مختلف قرآن تکرار شده است که هنگام برشمردن نعمت های مادی، در کنار اشاره به اموال، از فرزندان نیز به عنوان نیروی انسانی که حافظ و نگاهبان و پرورش دهنده اموال است نام برده می شود.

نکته ظریف دیگری که در معنانشناسی این آیات باید مورد اشاره قرار بگیرد نیز این است که بنابر آنچه در کتاب های لغت ثبت شده، کلمه «مد» در اصل به معنای کشیدن است ولی در معنای «یاری» هم استعمال می شود. بیشتر موارد استعمال «امداد» در عمل و فعل محبوب است به خلاف کلمه «مد» که بیشتر در مکروه استعمال می شود، هم چنان که هر دو کلمه در قرآن کریم آمده یک جا می خوانیم: «وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ»؛ (ایشان را با میوه مدد دادیم) و در جای دیگر به این آیه برمی خوریم که: «وَوَعَدْنَا لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا»؛ (برای او از عذاب دنباله ای که خود می دانیم درست می کنیم)

۶- آیه ۱۱ سوره شوری: در این آیه می خوانیم: «فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ (او آفریننده آسمان ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت هایی از چهارپایان آفرید و شما را به این وسیله [به وسیله همسران] زیاد می کند هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست).

بنابر بیان این آیه کریمه، یکی از نشانه های بزرگ تدبیر پروردگار و ربوبیت و ولایت او همین است که برای انسانها همسرانی از جنس خودشان آفریده که از یک سو مایه آرامش روح و جان او هستند و از سوی دیگر مایه بقاء نسل و تکثیر مثل و تداوم وجود او. گرچه قرآن با توجه به خطاب «یذروکم» این معنا را در مورد انسان بیان داشته ولی ناگفته پیداست که این حکم از نظر تکثیر مثل مورد چهارپایان و موجودات زنده دیگر نیز جاری

است. این معنا دال بر این حقیقت است که فرزندآوری و تکاثر، سنتی است که خداوند متعال با ساز و کارهای مادی، میان همه موجودات عالم برقرار کرده است.

۷- آیه ۷۲ سوره نحل: در این آیه می خوانیم: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَلَيْسَ بِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ»؛ (خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسران تان برای شما فرزندان و نوه هایی به وجود آورد و از پاکیزه ها به شما روزی داد آیا به باطل ایمان می آورند، و نعمت خدا را انکار می کنند).

در اینجا می بینیم که وجود فرزندان و نوه ها در کنار روزهای پاکیزه به عنوان نعمت های الهی معرفی شده اند. در واقع این آیه کریمه به انسان ها این پیام را می دهد که خداوند برای شما از همسران تان فرزندان و یاورانی قرار داد که به خدمت آنان در حوائج تان استعانت بکنید و با دست آنان ناملایمات را از خود دور سازید.

این موضوع، اساسی (بنیان) تکوینی است که ساختمان مجتمع بشری بر آن بنا می شود و اگر آن نبود مجتمعی تشکیل نمی یافت و این تعاون و همکاری که میان افراد هست پدید نمی آمد و تشریک در عمل و سعی میسر نمی شد و در نتیجه بشر به سعادت دنیا و آخرت خود نمی رسید. آری اگر بشر این رابطه تکوینی را که خدا به او انعام کرده قطع کند و این رشته پیوند را بگسلد آن وقت به هر وسیله دیگری که فرض شود متوسل گردد جا پر کن این رابطه تکوینی نگشته جمعی جمع نمی شود. با متلاشی شدن جمع بشر و از بین رفتن حمایت های مادی و معنوی انسان ها از همدیگر و پراکندگی وحدت شان، هلاکت شان قطعی است.

علاوه بر بُعد اجتماعی و دنیایی فرزندان، می توان گفت ادامه حیات معنوی انسان در فرزندان و نوه هایش قابل تصور است؛ یعنی فرزندان و نوه ها پس از مرگ نیز با احسان و سبک زندگی الهی خود به کمال و رفعت جایگاه والدین کمک نموده و بدین سان نعمت شمرده می شوند.

۸- آیات ۷۴ و ۷۵ سوره فرقان: در این آیات و در توصیف گروهی از رستگاران می خوانیم: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا * أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا»؛ (و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان [آری] آنها هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیبایی شان به آنان پاداش داده می شود و در آن، با تحیت و سلام رو به رو می شوند).

در اینجا شاهدیم که مؤمنان راستین از خداوند می خواهند که فرزندان شان را یکی از عواملی که می تواند برای آنها مایه «چشم روشنی» باشد قرار دهد. اصطلاح «قرّة عین» که در این آیه کریمه به کار رفته، معادل اصطلاح

فارسی «نور چشم» است و کنایه است از کسی که مایه سرور و خوشحالی می گردد. این تعبیر در اصل از کلمه «قرّ» گرفته شده که به معنی سردی و خنکی است و آنجا که معروف است - و بسیاری از مفسران به آن تصریح کرده اند - اشک شوق همواره خنک و اشک های غم و اندوه داغ و سوزان است لذا «قرّة» عین به معنی چیزی است که مایه خنک شدن چشم انسان می شود یعنی اشک شوق از دیدگان او فرو می ریزد و این کنایه زیبایی است از سرور و شادمانی. این موضوع نشان گر جایگاه والای همسران و فرزندان است که می توانند مایه افتخار و سرور و سعادت مؤمنین گردد. آن هم نه مؤمنین عادی بلکه مؤمنین راست کرداری که دارای مراتب عالی هستند تا آنجا که خود را لایق پیشوایی دیگر پرهیزکاران می بینند و چنین چیزی را از خداوند مسئلت می نمایند و در بالاترین درجات بهشت نیز جا دارند.

ممکن است پرسیده شود که همسران و فرزندان چگونه می توانند مایه افتخار و چشم روشنی انسان گردند؟ در پاسخ می گوئیم دعای مؤمنین این است که همسران و فرزندان شان موفق به طاعت خدا و اجتناب از معصیت او شوند و در نتیجه از عمل صالح آنان، چشم ایشان روشن گردد. و این دعا می رساند که بندگان رحمان غیر از این، دیگر حاجتی ندارند. و نیز می رساند که بندگان رحمان اهل حق و حقیقت اند و پیروی هوای نفس نمی کنند زیرا هر همسر و هر ذریه ای را دوست نمی دارند، بلکه آن همسر و ذریه را دوست می دارند که بنده خدا باشند.

منابع :

۱- قرآن.

۲- تفسیر المیزان.

۳- تفسیر نمونه.

۴- نهج البلاغه.

((تهیه و گرد آوری: حجت اله نوائی))